

استاد حائری

فردی شاخص و صاحب سبک

متن کامل سخنرانی

دکتر حسن حبیبی،

رئیس بنیاد ایرانشناسی

در بزرگداشت

استاد عبدالحسین حائری

خدمات خود را به علم و ادب و در نتیجه به جامعه خویش و در مواردی به جامعه جهانی عرضه می‌نمایند، احساس کنند که جامعه در فکر و اندیشه خود و نیز در تظاهرات خارجی آن به بزرگان علمی بی‌عنایت نیست و با ادای احترام و بیان قدردانی از آنان می‌خواهد که به خدمت پرفایده خویش ادامه دهند و استمرار بخشند.

جهت سوم آن است که با این قدرشناسی جوانان مستعد نتیجه می‌گیرند که قدم در وادی دانش و پژوهش نهادن، و در صراط مستقیم تحقیق و تتبع راه سپردن، بی‌فایده و بی‌اثر نخواهد بود و جامعه از تلاشها و کوششهای آنها بهنگام قدرشناسی خواهد کرد و نامشان را در حافظه تاریخی خود به عنوان نگاهبانان هویت علمی و تاریخی ثبت و ضبط خواهد نمود.

گرچه تجلیل و قدرشناسی بزرگان علم و ادب در هر زمان ارزشمند است، و نشان آن است که جامعه این معانی را به خوبی درمی‌یابد و از در اختیار داشتن چنین مواهبی شکرگزار و خرسند است، بهنگام یا دیرهنگام بودن این قدرشناسی علاوه بر آنکه از موقع‌شناسی جامعه و دست اندرکاران این اقدام یا بی‌برنامه بودن آنها در این زمینه حکایت می‌کند، آثار و نتایج دیگری هم دربردارد.

در آخرین روز از هفته کتاب سال جاری (۱۳۸۰/۸/۲۴) به همت کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی نخستین همایش بزرگداشت حامیان نسخ خطی برگزار شد. در این مراسم از خدمات ارزنده استاد عبدالحسین حائری، کتابشناس و نسخه‌شناس برجسته کشور تجلیل و قدردانی به عمل آمد. دکتر حسن حبیبی، رئیس بنیاد ایرانشناسی سخنان میسوطی در تجلیل از استاد حائری و دیدگاه ایشان درباره فهرست‌نویسی و نسخه‌شناسی بیان داشت که در پی می‌آید.

اقدام مبارک تجلیل و قدردانی و سپاسگزاری از صاحب‌نظران و دانشمندان و دانشوران و پژوهشگران ایران از چند جهت قابل توجه و تأمل و اهمیت است.

نخست از آن جهت که هر جامعه‌ای با قدرشناسی از خدمات بزرگان علم و ادب خویش از سویی فرهیختگی خود را به کرسی می‌نشاند و اهمیتی را که برای دانش و پژوهش قایل است، باز می‌نمایند و از سوی دیگر، به ادای احترام فردی و جمعی نسبت به خدمتگزاران خود می‌پردازد.

از جهت دیگر این قدرشناسی سبب می‌شود که آن گروه از خدمتگزاران که بی‌مزد و منت





گسترده توان علم و دانش ایشان بنشینند و استاد همگان را از سرچشمه آگاهیهای گرانقدرشان بهره‌مند سازد. ان شاء الله.

گروه بسیاری از اهل علم و علاقه‌مندان به استاد، ایشان را کتابشناس و نسخه‌شناسی زبردست و تیزبین و کنجکاو می‌شناسند. اما علاوه بر این، استاد به تاریخ علم و کار لغت نیز دلبسته است و مقالات اندک اما پرمغز ایشان حکایتگر این معنا است. پرداختن شبانه‌روزی به کار نسخه‌شناسی و کتابشناسی، اهل تحقیق را از حاصل کارهایی محروم ساخته است که استاد می‌توانست و می‌تواند به موازات تبعات کتابشناسانه خویش به عرضه آنها بپردازد. برخی از مقالات ایشان گواه آن است که اگر استاد به دو دلمشغولی یعنی کتابشناسی و تاریخ علم و رجال به موازات یکدیگر می‌پرداختند، آثار گرانقدری در زمینه دوم نیز ارمغان می‌کردند. گوینده این کلمات در پایان سخن دو سه نکته و آرزو از این دست را بیان خواهد کرد و مطمئن است و می‌داند که این نکته‌ها درخواست همه اهل فضل نیز هست.

باری، من بر آن سرم که اندکی درباره راه و رسم علمی و فنی کتابشناسی استاد حائری سخن بگویم و البته یادآوری می‌کنم که همه مطلب نیز

شوقی که آثار و نتایجش همواره و در طول تاریخ همه فرهنگها و تمدنها، و از جمله تمدن و فرهنگ اسلامی، انکارناپذیر بوده است.

از بابت بی‌توجهی‌ها، در طول یکی دو قرن اخیر زبان دیده‌ایم و امید است که از این پس به آنچه یاد شد توجه کنیم. البته اگر دانشمند و دانشوری را یکبار در گرماگرم کار تحقیق و تتبعش مورد احترام و اکرام قرار دادیم و آثار و نتایج آگاهی و علمش را برای اهل علم بازگو کردیم، از آن پس نباید یکسره فراموشش کنیم؛ بلکه اگر در ده بیست سال بعد بار دیگر همه دوران فعالیت علمی و مجموعه آثار وی را به یاد آوریم و از او به شایستگی قدردانی کنیم نه تنها کاری تکراری یا کم‌فایده نکرده‌ایم، بلکه با انجام این کار به شکرگزاری نعمتی پرداخته‌ایم که هر بارش نعمت را افزون می‌کند.

اگر قدرشناسی و ادای احترام به حضرت استاد حائری از جهتی دیرهنگام است و یکباره پنجاه سال تلاش و کوشش بی‌غرضانه و بی‌ادعای معظم له را دربر می‌گیرد، ما خرسندیم که شور و نشاط استاد به گونه‌ای است که مسلماً و با عنایت رب جلیل باز هم دانش پژوهان توفیق آن را خواهند داشت که با خرسندی سالیانی دراز بر خوان

در این مقام، نخست باید به این نکته توجه کرد که جز در موارد نادر نمی‌توان گفت که باید پنجاه، شصت سال درنگ کرد تا از دانشمندی و دانشوری و اهل علم و تحقیق بودن یک اهل فضل و علم و ادب مطمئن گردید. کسی که از عنفوان جوانی در خط مطالعه و تحقیق و تتبع و تدریس و تألیف و تصنیف است در حد پنجاه سالگی، خود را شناسانده و بضاعت علمی خویش را بیش و کم نمایانده است.

در این مرحله است که باید با تجلیل - حداقل بار اول - وی را به گروه محققان و دانشوران، به‌ویژه پژوهشگران جوان و نیز دانشجویان دوره‌های عالی شناساند؛ تا محققان جوان بتوانند از بخش قابل توجه حیات تحقیقی آتی وی به خوبی بهره بگیرند؛ و دانشور و دانشمندی هم که مورد تجلیل قرار گرفته است، با شور و نشاط بیشتری به کار تحقیق و نیز راهنمایی جوانترها بپردازد. نتیجه تجلیل بهنگام دربردارنده این دو فایده عمده است و محرومیت از این دو فایده به‌واقع خسارت بار است. همانسان که تاکنون در بیشتر موارد با آن مواجه بوده‌ایم و این خسارت علاوه بر خسارت عدم توجه به گروهی است که هیچ‌گاه به یاد کرد خدماتشان در زمان حیات یا حتی پس از درگذشتشان توفیق نیافته‌ایم.

در قدرشناسی دیرهنگام، اگر خسارت مورد دوم یعنی بهره نگرقتن از شور و نشاط دانشمند را اندک بشماریم و بگوییم که هیچ‌عالمی واقعی در بند تجلیل و قدرشناسی صوری و تشریفاتی نیست و بر این نکته پای بفرماییم که به هر حال مجامع علمی بدون این قسم قدرشناسی‌ها هم قدر عالمان را می‌دانند و عالمی هم که تا پنجاه سالگی بی‌چشمداشت مادی یا توقع فراوان به کار علمی پرداخته است از آن پس نیز به کار خود، بی‌اعتنا به زخارف دنیوی از جمله قدرشناسی تشریفاتی ادامه می‌دهد، خسارت نخست را که همان توجه و اقبال دانش پژوهان جوان و جوانان پژوهشگر به عالمی است که بیشتر و بهتر شناسانده می‌شود نمی‌توان جبران کرد؛ به‌خصوص که این تجلیل امید و شوق و شور را در دل جوانان پدید می‌آورد تا خود را برای پرداختن بی‌غرضانه به علم آماده سازند؛ شور و

پیشنهاد نخست به دوستداران استاد و کتابخانه مجلس است که کتابی در برگزیده مقالات علمی و تحقیقی خود با نامی چون «حائری نامه» به استاد تقدیم کنند

یکی از نکات مهم و

شاید مهمترین نکته در کار فهرست‌نویسی که به نظر استاد درست به آن توجه نمی‌شود و وقتی برای آن صرف نمی‌گردد این است که بسیاری از آثار اسلامی ممکن است موجود باشند، ولی ما - در صورتی که تتبع نکنیم - از آن بی‌اطلاع می‌مانیم. به نظر استاد، شاید بی‌توجهی ناشی از آن باشد که کارهای مربوط به نسخه خطی کار تحقیقی تلقی نمی‌شده است



عکس و میکروفیلم نسخه‌های محفوظ در خارج برای اطلاع از کم و کیف آنها و مطابقت با نسخه مورد نظر دسترسی داشته باشند.

اما دشواری اصلی درخصوص نسخه‌هایی است که اول و آخرشان افتاده یا بر اثر نبودن نسخه کامل دیگر یا نداشتن اطلاع از وجود چنین نسخه‌ای باید با روشهای دیگر نسخه را شناسایی کرد و نام مؤلف و مصنف و تاریخ تألیف و تصنیف و احتمالاً تاریخ تحریر را یافت. این کاری است که استاد حائری همت خود را بر سر آن نهاده است.

همچنین در مورد معرفی مؤلفان و مصنفان، این گروه به دو دسته مشهور و غیرمشهور تقسیم می‌شوند که البته نباید فهرست‌نویس درباره نویسندگان مشهوری که نام و نشان و شرح حالشان به تفصیل در کتابهای رجال و تذکره و تاریخ علم آمده است، به بحث طولانی بپردازد. لکن در مورد نویسندگان غیرمشهور گردآوری اطلاعات تا حدودی که در حوصله فهرست‌نویس و فهرست‌نویسی است، مفید و شاید لازم باشد و راه پرداختن به شناسایی این دسته از مصنفان و مؤلفان و آثار آنها را برای محققان هموار سازد. استاد حائری نیز در این مسیر گام نهاده‌اند.

این بیان که مضمون آن در موارد متعدد توسط ایشان تکرار شده است، دغدغه خاطر استاد و اهمیت پرداختن به کار نسخه‌های خطی را گزارش می‌کند و روش کار وی را که دقت و وسواس چشمگیر در کار کتابشناسی و نسخه‌شناسی است، نشان می‌دهد. به نظر استاد، فهرست‌نویسی نسخه‌های

آورده‌اند هدف مادی داشته‌اند؛ در حالی که این کار نیاز به عشق و علاقه و روح معنویت دارد؛ چرا که بسیاری از موارد و مفاخر ملی و مذهبی ما در میان این آثار نهفته است و هرگونه برخورد مادی با این مسئله اشتباه محض است و می‌تواند عواقب بدی به دنبال داشته باشد.»^۱

نسخه‌ها و مجموعه رسائل خطی به جای مانده به دو دسته عمده، نسخه‌ها یا مجموعه رسائل کامل و نسخه‌های ناقص تقسیم می‌شوند. نسخه‌های ناقص نیز یا دارای نسخه‌های کامل دیگری هستند و یا منحصر به فرد. بنابراین، همچنان ناقص‌اند و به‌خصوص این نقص مربوط به ابتدا و انتهای کتاب است و در نتیجه، ناقص از جهت نام و نشان مؤلف و مصنف و نام کتاب و کاتب و سال تحریر و تصنیف‌اند.

در نسخه‌شناسی و بسیاری از کتابشناسی‌های مربوط به نسخه‌های کامل، ما کمتر با دشواری روبه‌رو هستیم و فهرست نسخه‌های خطی شاید در این باب از کمال نسبی برخوردارند. در مورد نسخه‌های ناقصی هم که نسخه کامل دیگری دارند، چنانچه کتابشناسان ما کوشش لازم را به خرج دهند با مراجعه به فهرستهای دیگر و مطابقت نسخه‌ها می‌توانند این نسخه‌ها را شناسایی کنند. البته در این بخش ما با کم و کسری‌ها و کمبودهایی روبه‌رو هستیم. به هر حال، به نظر می‌رسد که برای نسخه‌های خطی از این بابت باید سازماندهی مناسبتری صورت گیرد تا کتابشناسان و نسخه‌شناسان ما بتوانند هم به تمامی فهرستها و هم به اصل نسخه‌های موجود در ایران و هم به

برگرفته و خلاصه شده از کلام خود ایشان است. در میان کتابشناسان و نسخه‌شناسان بنام دوره قبل و دوره معاصر، استاد حائری فردی شاخص و صاحب سبک است و بر سبک و شیوه و روش کار خود معتقد و استوار قدم است و همین امر وی را در طول سالها مرجعی صاحب‌نظر و مورد احترام ساخته است.

بی‌هیچ گفت‌وگو، همه اهل تحقیق بر این باورند که آثار خطی جهان اسلام در دنیا کم‌نظیر یا بی‌نظیر است؛ و تقریباً همگان معتقدند که این گنجینه عظیم و بی‌مانند هنوز آن سان که باید و شاید شناخته نشده و در نتیجه، بهره‌برداری‌های گوناگون از آن، که حاصل شناسایی است، صورت نپذیرفته است. «هنوز هم باید گفت که وظیفه بزرگ برای مسلمانان خاصه ایرانیان مسلمان، شناسایی این آثار است. اینها افتخاراتی است مربوط به مسلمانان. به گفته استاد: این همه آثار خطی در هیچ مذهب و قوم و قبیله‌ای دیده نشده و بسیاری از اینها همین‌طور ناشناخته مانده است؛ یعنی از یک سو می‌دانیم که بسیاری از دانشمندان ما کتابهایی داشته‌اند ولی کتابهای آنها را نمی‌شناسیم و از سوی دیگر، کتابهای بسیاری را می‌شناسیم که صاحبانش معلوم نیست.» این آثار باید با فهرست‌نویسی درست و به قاعده و علمی شناخته شوند. اما این امر با موانع متعدد روبه‌رو بوده و هست. به قول استاد «هنگامی که با آثار خطی مواجه می‌شویم کارمان بسیار خطیر و دشوار می‌شود. متأسفانه در گذشته با این مسئله به طور جدی برخورد نشده و غالباً کسانی که به این کار رو

گرچه تجلیل و قدرشناسی بزرگان علم و ادب در هر زمان ارزشمند است، و نشان آن است که جامعه این معانی را به خوبی درمی یابد و از در اختیار داشتن چنین مواهبی شکرگزار و خرسند است، بهنگام یا دیرهنگام بودن این قدرشناسی علاوه بر آنکه از موقع شناسی جامعه و دست اندرکاران این اقدام یا بی برنامه بودن آنها در این زمینه حکایت می کند، آثار و نتایج دیگری هم دربردارد



از بابت بی توجهی ها، در طول یکی دو قرن اخیر زیان دیده ایم و امید است که از این پس به آنچه یاد شد توجه کنیم. البته اگر دانشمند و دانشوری را یکبار در گرماگرم کار تحقیق و تتبعش مورد احترام و اکرام قرار دادیم و آثار و نتایج آگاهی و علمش را برای اهل علم بازگو کردیم، از آن پس نباید یکسره فراموشش کنیم؛ بلکه اگر در ده بیست سال بعد بار دیگر همه دوران فعالیت علمی و مجموعه آثار وی را به یاد آوریم و از او به شایستگی قدردانی کنیم نه تنها کاری تکراری یا کم فایده نکرده ایم، بلکه با انجام این کار به شکرگزاری نعمتی پرداخته ایم که هر بارش نعمت را افزون می کند

خطی دارای دو رکن اصلی و اساسی نسخه شناسی و کتابشناسی است که هر دو با هم باید در نظر گرفته شوند و در ضمن «هر دوی اینها مستلزم فکر و دقت بسیار است»^۲. بررسی و تعیین نام کتاب، نام مؤلف، محتوای کتاب و ویژگیهای آن که در کتابهای دیگر وجود ندارد مسائل مربوط به کتابشناسی است. در این حال، حتی اگر نسخه ای هم در دست نباشد، باز می توان درباره این موارد بحث کرد. مسائل مربوط به نوع جلد، کیفیت و نوع کاغذ و نوع خط و اینکه کتاب چند صفحه دارد و هر صفحه چند سطر، مربوط به نسخه شناسی است.^۳

نکته ای که مورد توجه استاد در نسخه های کتابهاست و بر آن بیشتر از دیگر کتابشناسان و نسخه شناسان پای می فشارند و از همین راه کار تحقیق و بررسیهای علمی خود را گسترده تر ساخته اند این نکته است که «در گذشته به علت مشکلاتی از قبیل کمبود کاغذ و وابستگی شدیدی که نسبت به کتاب وجود داشته است، روزهای مهم، خاطرات و بسیاری دیگر از مسائل با اهمیت را در حاشیه و یا پشت جلد کتاب یادداشت می کرده اند. به این جهت هر کتاب می تواند مجموعه ای ارزنده از اسناد مهم تاریخی باشد؛ مثلاً «در حاشیه یک کتاب عرفانی و فلسفی درباره زلزله تبریز و میزان تلفات آن مطالبی نوشته شده است.»^۴

به نظر استاد، یک فهرست نویسی به این مسائل باید توجه کافی داشته باشد.^۵ دقت در نسخه ها و حتی خواندن صفحه به

صفحه نسخه، مورد تأکید مکرر استاد است، از آن جهت که گهگاه یک کتاب مجموعه ای از رساله ها است و حتی در یک کتاب، بی آنکه از ابتدا به مجموعه بودنش اشاره شود، رساله های متعدد جمع شده اند. بسیاری از اوقات اول و آخر و صفحات وسط کتاب نیز افتاده اند و گاهی صفحاتی از رسالات دیگر در کتاب آمده است و اینها همه دشواریهای فراوان در معرفی نسخه پدید می آورد. از این رو، در نسخه شناسی «دقت نظر و اطلاعات وسیع»^۶ سهم و اثر فراوان دارد. استاد در بسیاری از فهرستها اشتباههایی دیده اند و بازگو کرده اند و به این نتیجه رسیده اند که بسیاری از کتابها باید مجدداً فهرست بشوند و البته این بار با دقت همه جانبه و با آگاهی کامل از اهمیت کار.^۷

یکی از نکات مهم و شاید مهمترین نکته در کار فهرست نویسی که به نظر استاد درست به آن توجه نمی شود و وقتی برای آن صرف نمی گردد این است که بسیاری از آثار اسلامی ممکن است موجود باشند، ولی ما - در صورتی که تتبع نکنیم - از آن بی اطلاع می مانیم. به نظر استاد، شاید بی توجهی ناشی از آن باشد که کارهای مربوط به نسخه خطی، کار تحقیقی تلقی نمی شده است؛^۸ و می گویند «به هر حال، روش من این بود که با لجبازی و سماجت عجیبی بدون توجه به تأخیر کار، در شناسایی کتاب و مؤلف کوشش می کردم و برایم خیلی دشوار بود که کتاب را شناخته بگذارم.»^۹

بعضی کتابها که شناخته شده نیستند باید شناخته شوند و برخی کتابهای شناخته شده نیز

احتیاج به بازشناسی محتوا دارند. نکته ای که پیشتر درباره بررسی محتوای کتابها نقل شد، در برخی از کتابها بسیار حائز اهمیت است. از آن رو که فی المثل از یک کتاب نسخه های متعددی هست که در برخی از تحریرها فصلی اضافه بر تحریرهای دیگر دارد.^{۱۰} در واقع، استاد بخشی از کار مصححان و مقابله کنندگان نسخه ها را بر عهده نسخه شناس یا فهرست نویس می گذارند. می توان با استاد همسخن شد و پذیرفت که این کار، کاری درست و بجاست. از آن رو که مصحح را در به دست آوردن نسخه ای تشویق و ترغیب می کند که بدون این توضیحات ممکن است از کاملتر بودن آن بی اطلاع بماند و آن را رها کند. البته باید قبول کرد که این شیوه کار، فهرست نویسی را به نفع اطلاع دقیقتر و پرفایده تر کند می کند و کم حوصله ها را آزرده خاطر می سازد.

از نکته های دیگر شیوه کار استاد استخراج نامهای مؤلفان، شخصیتها و کتابهایی است که در نسخه در دست فهرست نویسی آمده است. این کار، ما را به نام کتابهایی که احتمالاً تا این زمان اثری از آن به دست نیامده است آشنا می سازد و محققان را برای یافتن آنها تشویق می نماید.^{۱۱}

استاد معتقد است که «اگر کسی بخواهد دست به کار کتابشناسی نسخه های خطی بزند، باید اطلاعات نسبتاً عمیقی در مورد علمای اسلام و تألیفات و آثار آنها داشته باشد؛ مثلاً اگر شخص نداند که علامه حلی چگونه آدمی بوده و چه تألیفاتی داشته وقتی به کتابی که سرو ته آن هم افتاده باشد بر بخورد، چگونه می تواند آن اثر و



در میان کتابشناسان و نسخه‌شناسان بنام دوره قبل و دوره معاصر، استاد حائری فردی شاخص و صاحب سبک است و بر سبک و شیوه و روش کار خود معتقد و استوار قدم است و همین امر وی را در طول سالها مرجعی صاحب نظر و مورد احترام ساخته است

به نظر استاد، فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی دارای دو رکن اصلی و اساسی نسخه‌شناسی و کتابشناسی است که هر دو با هم باید در نظر گرفته شوند و در ضمن «هر دوی اینها مستلزم فکر و دقت بسیار است»

اگر کسی بخواهد دست به کار کتابشناسی نسخه‌های خطی بزند، باید اطلاعات نسبتاً عمیقی در مورد علمای اسلام و تألیفات و آثار آنها داشته باشد

مؤلفش را شناسایی کند؟ به این جهت به نظر من اگر بخواهند افرادی را برای این کار تربیت کنند، باید در ابتدای امر آنها را نسبت به علمای اسلام و آثار و تألیفاتشان آموزش کافی بدهند.^{۱۳} بنابراین، با توجه به این امر اطلاعات فهرست‌نویس نسبت به مؤلفان بیشتر می‌شود و با به دست آوردن قراین به مقصود می‌رسد. شناخت روش مؤلفان در تحقیقات و نوشته‌هایشان نیز راهنمای مؤثری برای شناسایی کتابها و مؤلفان است. به دست آوردن حدود زمانی تألیف و دانستن نام و نشان مؤلفان در آن حدود زمانی نیز دارای اهمیت است. آشنایی با رجال ایرانی و مسلمان در رشته‌های مختلف رجال، تاریخ، علوم ریاضی، نجوم و غیر آن و تفنن در علوم و دیدن دوره‌هایی از علوم در حد آشنایی و نه عالم شدن - باید بخشی از سرمایه علمی فهرست‌نویسان باشد.^{۱۴} به استاد ایراد می‌گیرند که بیش از حد لازم کار را معطل می‌کند.^{۱۵} ولی ایشان معتقد است که برای فهرست‌نویسی باید با دنیای کتاب و کتابخانه‌ها و کتابشناسی‌ها آشنا بود تا بتوان به درستی درباره کتاب جستجو کرد و آن را شناخت؛ زیرا یک نسخه خطی فقط یک نسخه کتاب خطی نیست؛ بلکه علاوه بر متن در حواشی مطالبی هست که سند است و با توجه به آنها مطالب و مسائل دیگری نیز کشف می‌شود. در نتیجه، استاد می‌گوید: «من الان تا کتاب را صفحه به صفحه نبینم از آن دست برنمی‌دارم. در اطراف کتابها خیلی نکات تاریخی مهم پیدا کرده‌ایم که جنبه سندی دارد.»^{۱۶} دل‌مشغولی دیگر استاد که مرتبط با شناختن و شناساندن نسخه‌های خطی و احیای آنهاست این است که باید به بررسی دوران شکوفایی تمدن اسلامی پرداخت و پرسید که آن روحیه کجا رفته است؟ باید «مسلمانان از گذشته خود آگاه شوند و از جایگاه مهمی که داشته‌اند باخبر گردند و از خود فراموشی بیرون آیند.»^{۱۷} در نتیجه، زنده کردن و نوشتن تاریخ علم در میان مسلمانان به این خودآگاهی کمک خواهد کرد» و مسلمانان و از جمله ایرانیان خواهند دانست که کارهای فراوانی را در گذشته انجام داده‌اند و تشویق می‌شوند که دیگر بار به همان مصطبه برآیند. برای نوشتن تاریخ علم راهی جز احیای آثار و

میراث گذشته نیست. کتابهای تاریخ علم که تاکنون نوشته شده‌اند از آن بیگانگان نظیر جرج سارتون است. تحریر تاریخ علم براساس کتابهایی که از طریق کتابشناسی با آنها آشنا می‌شویم راه درست کار است. در علوم مثبت و تجربی، در فقه و در فلسفه و غیر اینها کارهای بسیاری هست که انجام نیافته است یا نیمه تمام است که همگی باید به سرانجام برسند.^{۱۸}

در کلاسها و دوره‌های کتابداری علاوه بر برنامه‌هایی که فعلاً برای کتابهای خطی هست باید اطلاعات مربوط به اسلام‌شناسی را جزو برنامه‌ها قرار داد و کلیاتی را درباره علوم اسلامی رایج در تمدن اسلامی از فقه و اصول گرفته تا حکمت و فلسفه و نجوم و علوم ریاضی و طبیعی قدیم و نیز رجال آموخت. همچنین رشته‌های حوزه علوم انسانی و ادبیات عرب و فارسی را در این زمینه‌ها تجهیز کرد. در واقع، فهرست‌نویس باید، هم عربی بداند و هم فارسی و نیز از خطوط مختلف اطلاع داشته باشد. قسمتی از بخش اخیر یعنی آشنایی با خطوط و کاغذ و نوع جلد و تذهیب و نظایر اینها با تجربه و آشنا شدن چشم حاصل می‌شود و بنابراین کار عملی در کتابخانه‌ها دارای اهمیت فراوان است. کار کردن زیر نظر کارشناسان نکته‌سنج و دقیق و کتابشناسان خبره باید جزو شرایط انتخاب کسانی باشد که برای کار کتابشناسی دعوت می‌شوند.^{۱۹}

مطلبی را درخصوص اهمیت و ارزش کار و دقت‌های استاد از حضرت استاد مرحوم جلال همایی نقل می‌کنم و این بخش از سخن خود را به پایان می‌برم. این مطلب به شرح حال حکیم و عالم ریاضی و خطاط و رسام هنرمند نامدار عهد قاجار، میرزا محمدعلی اصفهانی مربوط می‌شود که استاد حائری درباره وی مقاله‌ای پرمحتوا نوشته‌اند و مرحوم استاد همایی آن را از «هر حیث به‌ویژه از جهت فهرست مؤلفات و بیان موضوع تألیف و تجزیه و تحلیل مسائل کتاب با نقل نمونه مطالب پاره‌ای از آنها (که‌ای کاش بیشتر و تمامتر نقل کرده بودند) به حدی مستدل و پر فایده و جامع‌الاطراف» می‌داند که «جایی برای خودنمایی حرف گیران باقی نگذاشته است»^{۲۰} و اظهار امیدواری می‌کند که استاد حائری «دامن این قبیل افادات و تحقیقات را از دست ندهند؛ خاصه با

عمده فهرست‌هاست مورد قبول استاد قرار گیرد و استاد یکی دو تن را با نظر خویش برای این کار برگزینند تا با راهنمایی خودشان این کار سامان یابد. روشن است که با راهنمایی استاد، در حدی که لازم است در مطالب فهرستها دخل و تصرف خواهد شد یا اگر لازم نبود حذف و اضافه‌ای صورت نخواهد گرفت.

با پوزش از اطالة کلام، سخن را به پایان می‌برم و از خداوند بزرگ دانا و توانا می‌خواهم و می‌خواهم که سایه درخت پر بار و تنومند دانش و آگاهی استاد را سالیان دراز بر کار تحقیق این مرز و بوم و به‌ویژه کتابخانه مجلس شورای اسلامی مستدام بدارد تا گنجینه نفیس کتابخانه هر روز بیش از روز پیش گرانسنگ‌تر شود و با معرفی عالمانه محتوای آن، دانش پژوهان و دانشمندان بهتر و بیشتر از این خوان نعمت برخوردار گردند.

پاورقی:

۱. حدیث عشق، ص ۴۵.
۲. همان، ص ۲۲ - ۲۱.
۳. همان، ص ۲۲.
۴. همان، ص ۲۲.
۵. همان، ص ۲۵.
۶. همان، ص ۲۵.
۷. همان، ص ۲۵.
۸. همان، ص ۲۶.
۹. همان، ص ۴۶.
۱۰. همان، ص ۴۶.
۱۱. همان، ص ۴۶.
۱۲. همان، ص ۴۷.
۱۳. همان، ص ۲۶.
۱۴. همان، ص ۴۸.
۱۵. همان، ص ۴۹.
۱۶. همان، ص ۵۸.
۱۷. همان، ص ۵۲.
۱۸. همان، ص ۵۴ و ۲۲۸.
۱۹. همان، ص ۲۸۸.
۲۰. همان، ص ۱۹۵.
۲۱. همان، ص ۱۹۶.
۲۲. همان، ص ۱۵۴.

کاش استاد در این زمینه نیز بخش بیشتری از وقت خود را اختصاص می‌داد و گوشه و کنار برخی از مباحث موجود در نسخه‌ها و نیز شرح حال صاحبان آنها را که از عالمان بزرگ و سترگ و در عین حال ناشناخته این مرز و بوم‌اند، آشکار می‌ساخت. با این همه و به هر حال باید امیدوار بود که استاد از این پس بخشی از وقت گرانبه‌ای خویش را صرف کاری این چنین گرانقدر بنماید. پایان بخش سخنم چند نکته و پیشنهاد است که یکی از آنها پیشنهاد به جمع علاقه‌مندان و دوستداران فرهیخته استاد و موارد دیگر پیشنهاد به شخص استاد است.

۱. پیشنهاد نخست به دوستداران استاد و کتابخانه مجلس است که کتابی در برگزیده مقالات علمی و تحقیقی خود با نامی چون «حائری نامه» به استاد تقدیم کنند.

۲. پیشنهاد دوم، تقاضا از استاد است که کتاب یا کتابهایی را که حاصل مطالعات کتابشناسانه و تجربیاتشان است مرقوم دارند.

۳. پیشنهاد سوم، تدوین کتاب درسی توسط استاد برای دانشجویان رشته‌های کتابداری و علوم انسانی درخصوص نسخه‌های خطی است.

۴. پیشنهاد چهارم، استخراج و تدوین اطلاعات مهم موجود در قسمت قابل توجهی از فهرستهای استاد است. این اطلاعات، گرانقدر و کم‌مانند هستند و شایسته است با توجه به تاریخ تألیف کتابهای فهرست شده و موضوعات آنها طبقه‌بندی شوند. این کار بخشی از پیشنهادها و آرزوهای استاد را در زمینه مباحث مربوط به تاریخ علم و رجال علمی عملی برآورده می‌سازد. به عنوان نمونه مقاله میرزا محمدعلی اصفهانی یا قائنی و نیز مقاله مفاتیح الاسرار و مصابیح‌الابرار تاج‌الدین محمدین عبدالکریم شهرستانی بهترین گواه بر این امر است و نظیر این نمونه‌ها در فهرست نگاری‌های استاد نیز بسیار است.

امید آن دارم که بر این پیشنهادها به عین‌الرضا نظر شود. دوستداران و علاقه‌مندان استاد و کتابخانه مجلس در کار تدوین، حائری‌نامه از هم‌اکنون گام فرا پیش نهند و سه پیشنهاد دیگر نیز مورد توجه و قبول استاد حائری قرار گیرد. به‌ویژه پیشنهاد چهارم که درخصوص گردآوری و طبقه‌بندی موضوعی و تاریخی کتابشناسی‌های

همان روش و شیوه متقن و پسندیده و عالمانه که بحمد... از غوغای فضل‌فروشی و مرض رعونت و خودپسندی جاهلان عالم‌نما میرا و پیراسته است.»^۳

روش کاری که در این اظهارنظر ستوده شده است همان روشی است که استاد با تلخیص مطالب در کار فهرست‌نویسی خود به کار گرفته است و از نتایج تحقیق و تتبعی که برای کارشناسی و نسخه‌شناسی و در نتیجه فهرست‌نویسی به انجام رسانده است، ارمغانهایی به صورت مقاله معدود برای اهل علم آورده است که از جمله آنها همین مقاله مورد اشاره استاد همایی است. این مقاله در حدود چهل صفحه است و در چند شماره مجله وحید تحت عنوان «میرزا محمدعلی حسینی اصفهانی و ریاضیدانان همزمان او در قرن ۱۳ هجری» به چاپ رسیده است.

مقاله با معرفی میرزا محمدعلی آغاز می‌شود و از آثار او که در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود و نیز از آثار شاگردان او، که خود آشنایی با میرزاست خبر می‌دهد و می‌گوید «نگارنده با بهره‌وری از تعلیقات و یادداشت‌هایی که از اینجا و آنجا به دست آورده به بررسی و تجزیه و تحلیل آثار و مؤلفات قائنی (یعنی میرزا محمدعلی اصفهانی) پرداخته است و این کار را کوششی برای آشنا ساختن چهره یکی از دانشمندان بزرگ این سرزمین به حساب می‌آورد.»^۳ استاد از علم و اطلاع میرزا در زمینه‌های مختلف سخن می‌گوید؛ و آثار و مؤلفات وی را طی فهرستی با معرفی نسخه‌ها برمی‌شمارد. وی به رساله تسطیح ابوالفتوح احمدین محمد که مورد تصحیح میرزا قرار گرفته است می‌پردازد و آن را معرفی می‌کند و از نسخه‌های رساله تسطیح یاد می‌کند. همچنین رساله‌های دیگری را معرفی می‌نماید که در برخی دیگر از مجموعه‌های حاوی تسطیح وجود دارد و در بخش دیگر از شاگردان و معاصران میرزا محمدعلی و برخی از شاگردان میرزا عبدا... ریاضی که خود شاگرد میرزا محمدعلی بوده است، یاد می‌کند؛ با این عنوان که «شاید این سلسله گفتار، روشنگر گوشه‌ای از سرگذشت ریاضیات و تاریخ علم و فرهنگ این سرزمین گردد.»

با ملاحظه این مقاله و برخی دیگر از مقالات که مختصرترند، این اندیشه به ذهن می‌آید که